

فصلنامه (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۸)، زمستان

۱۳۹۸ صص ۵۲۲-۵۰۵

بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۸

گلناز قلی پور^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۱

منصور حقیقتیان^۲

رضا اسماعیلی^۳

چکیده

همسازی اجتماعی اساس زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و فقدان آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و ازهم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود. پژوهش حاضر که با هدف ارتباط بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج می‌باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایش، و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج است که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار در حدود ۱۱۰ هزار نفر می‌باشد و ۳۷۶ نفر از آنان بر اساس فورمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن یعنی اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته با میزان همسازی اجتماعی جوانان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که در کل اثر متغیر مستقل اعتماد اجتماعی بر همسازی اجتماعی شهروندان به میزان ۰/۶۳ می‌باشد.

کلیدواژگان: اعتماد اجتماعی، اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی همسازی.

مقدمه و بیان مسئله

همسازی اجتماعی، یگانگی اجتماعی است که از کنش‌های افراد نتیجه می‌گردد و منظور از آن، اجماع افراد بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است. نظم اجتماعی نسبتاً باثبات، بر نوعی وفاق اجتماعی استوار است و پیوستگی‌های عاطفی سازنده، بنیان پیش‌عقلانی همسازی اجتماعی، قواعد اجتماعی و

^۱ . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

^۲ . دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ . استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

حتی عقلانیت هستند. دورکیم دربارهٔ ضرورت طرح این مفهوم معتقد است که تکامل جامعه به میزان سازگاری اجتماعی و درجهٔ آن بستگی دارد و بررسی این موضوع را نیز از وظایف سازگاری اجتماعی می‌داند. همسازی اجتماعی، وحدت جامعه را در پی دارد و هرچه نتیجه آن قوی‌تر باشد افراد را بیشتر به سوی هم متمایل می‌کند و بر میزان روابط متقابل اجتماعی می‌افزاید (غنی ظاهر و میرعبدی، ۱۳۹۷: ۱۴).

همسازی اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در بررسی‌های اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. همسازی، راه‌های دستیابی به آن، موانع تحقق آن (واگرایی)، عوامل فرسایش و نیز پیامدهایش، از دیرباز ذهن صاحبان اندیشه اجتماعی را به خود معطوف کرده است. جامعه‌شناسانی هم‌چون کنت، دورکیم، زیمل، پارتو، وبر، پارسونز، کوزر و دیگران در آثار خود درباره ابعاد مختلف مفهوم سازگاری اجتماعی به بحث پرداخته‌اند. همسازی به معنای توافق بر سر ارزش‌ها، هنجارهای اساسی و الگوهای رفتاری جامعه، مفهومی است که از گذشته تا امروز در جامعه‌شناسی نقش محوری داشته است. همسازی دلالت بر پیدایی، اتفاق نظر و توافق آشکار و یا نهان در یک‌گروه دارد؛ خواه این توافق درباب زمینه‌های اصلی حیات آن گروه باشد و یا در زمینه خواست اعضا، برای داشتن حیاتی مشترک. بیرو معتقد است. همسازی اجتماعی اساس زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و فقدان آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و ازهم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود (مجبی و امیری، ۱۳۹۷: ۶۴).

تفاوت‌های موجود در اقوام مختلف لزوم توجه به سازش آنها را بیشتر می‌کند. همسازی اجتماعی یکی از موضوعات اساسی است که از دیرباز مورد توجه مطالعات جامعه‌شناختی بوده است. همسازی اجتماعی با مؤلفه‌هایی همچون همسازی ارزشی، همسازی عاطفی، همسازی در محیط زندگی و همسازی فراقومی گرچه موضوعی دیرینه است لکن با توجه به اهمیت استراتژیک آن، نه تنها اهمیت موضوعی خود را از دست نداده، بلکه با توجه به تحولات جهان معاصر بار دیگر لزوم توجه به آن بیشتر احساس می‌شود. همسازی امروزه به ویژه در میان اقوام مختلف دارای اهمیت شده است و باید بدان توجه بیشتر نمود و عوامل مرتبط با آن از جمله دینداری را مورد بررسی قرار داد.

عامل تقویت همسازی اجتماعی را در تعادل و هماهنگی میان ایده‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک با محیط می‌داند. این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به خودی خود نمی‌توانند اتحاد میان افراد جامعه را تأمین کنند، مگر این که محیط را با خود سازگار کنند و از عوامل مختلف تأثیر پذیرند. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر همسازی اجتماعی اعتماد اجتماعی است.

اعتماد اجتماعی از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند، از سطح خرد (خانواده) گرفته تا سطح کلان (جامعه) و حتی در ساخت‌هایی فراتر از آن (جهانی). اعتماد اجتماعی پدیده‌ای است که تسهیل‌گر روابط انسانی است و بنیاد شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه‌ی یک جامعه است و کاهش یا افزایش آن می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن داشته باشد. به همین دلیل، در دهه‌های اخیر این موضوع نظر بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (وٹوقی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۶۲). در جوامعی که اعتماد

بالایی وجود دارد، مسئولیت پذیری بیشتری در سطوح پایین جامعه دیده می شود و در جوامعی که اعتماد کمتری وجود دارد، به نوعی فرار از مسئولیت بیشتر به چشم می خورد.

رابطه ی اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی با همسازی تا بدان حد است که می توانیم بگوئیم که اگر اعتماد در میان اعضای جامعه نباشد و یا اندک باشد تعاملات و روابط میان افراد جامعه از تنظیم خارج می شود و روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می شود. در این بین وجود اعتماد و مشارکت متقابل بر شکل گیری تعاملات و تداوم آن امری ضروری به نظر می رسد و در مقابل فقدان آنها روابط میان افراد را بدان سوی متمایل می سازد که هر کسی تنها به طور افراطی در اندیشه نفع شخصی خویش باشد و به منافع همگانی کمتر عنایت کند (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۰). زمانی که هر کس منافع خویش را بدون توجه به منافع دیگران و مجموعه قواعد مشترک پذیرفته شده می خواهد دنبال کند، پیوندهای مشترک و با دوام میان افراد متزلزل می گردد و بنابراین سطح همسازی تنزل پیدا می کند. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی مسئله ای مهم و قابل بررسی است و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی در بین شهروندان شهر یاسوج ارتباط وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

- غنی ظاهر و میرعبدی (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل موثر در همسازی اجتماعی دانشجویان» به انجام رساندند. روش این پژوهش اسنادی کتابخانه ای بود. همسازی اجتماعی در واقع به سازگاری و هماهنگ شدن فرد با محیطی که در آن زندگی می کند اشاره دارد. همچنین احترام قایل شدن برای عقاید افرادی که پیرامون وی زندگی می کنند در این راستا فرد باید به ایفای مثبت نقش های اجتماعی خویش بپردازد و سعی کند به علایق و اندیشه های دیگران احترام بگذارد. در این راستا پیشنهادهای مطرح شد که عبارتند از اینکه اساتید دانشگاه باید سعی کنند دانشجویان اقشار و فرهنگ های مختلف را در یک گروه قرار دهند تا تعصبات و پیشداوری از بین بروند و همسازی اجتماعی بیشتری بین دانشجویان به وجود آید همچنین اساتید در ضمن تدریس سعی کنند در برابر مواضع مختلف خود را بی طرف نشان داده و به عقاید همه دانشجویان احترام بگذارند و با ایجاد بحث های فکری و تعامل افراد با هم زمینه ی همسازی اجتماعی بیشتری را در میان آنان ایجاد کنند.

- محبی و امیری (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «مقایسه خودکارآمدی، بهزیستی روانشناختی و همسازی اجتماعی در بین زنان آسیب دیده و عادی» به انجام رساندند. نتایج نشان داد بین میزان خودکارآمدی در بین زنان آسیب دیده و عادی تفاوت وجود دارد و بین میزان بهزیستی روانشناختی و تمامی مولفه های آن در بین زنان آسیب دیده و عادی تفاوت وجود دارد و بین همسازی اجتماعی در بین زنان آسیب دیده و عادی تفاوت وجود دارد.

- پارسامهر و حدت (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان « بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان» به انجام رساندند. نتایج آزمون پیرسون رابطه ی بین متغیر هوش هیجانی و تمام متغیرهای هوش

هیجانی با سازگاری اجتماعی را تأیید کرده و تحلیل رگرسیون گام به گام نیز تا چهار گام پیش رفته است. متغیرهای تأثیرگذار مجموعاً ۳۵ درصد از واریانس سازگاری اجتماعی دانشجویان را تبیین نمودند. با توجه به نظریات بار - آن، دیدگاه پدیدارشناسی و نظریات راجرز، رابطه‌ی مستقیم بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دیده شد و مشخص گردید، تقویت هوش هیجانی در مقاطع مختلف، باعث سازگاری بیشتر با محیط و اطرافیان می‌شود.

- شکوری آذر و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و اعتماد سازمانی با سازگاری شغلی در بین کارکنان دانشگاه های پیام نور استان آذربایجان شرقی» به انجام رساندند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که رابطه مثبت معناداری بین دو متغیر هوش فرهنگی و ابعاد آن با سازگاری شغلی وجود دارد. از بین مولفه ها کمترین میزان همبستگی رابطه بین فراشناختی و سازگاری شغلی و بالاترین رابطه بین انگیزشی و سازگاری شغلی می باشد. همچنین نتایج نشان می دهد که رابطه مثبت معناداری بین دو متغیر اعتماد سازمانی و سازگاری شغلی وجود دارد. علاوه براین نتایج تحقیق حاکی از این است که مولفه های هوش فرهنگی و اعتماد سازمانی، سازگاری شغلی را پیش بینی می کند. تا حدود ۴۷ درصد براساس متغیرهای مستقل (اعتماد، بعد انگیزشی و بعد رفتاری) میتوان سازگاری شغلی را در تحقیق حاضر پیش بینی کرد.

- کاظمی و دیگران (۱۳۹۰) مطالعه ای را با عنوان «همسازی هویت ملی و قومی در ایران و رویکرد اقوام ایرانی به وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت» به انجام رساندند. در این مطالعه آمده است که از سال های پس از جنگ جهانی دوم موضوع وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت به یکی از موضوعات مهم دولت ها، اقوام و صاحب نظران و اندیشمندان مسایل سیاسی و اجتماعی جهان تبدیل شده است. در ایران نیز در این مقطع زمانی موضوع وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت یکی از موضوعات اساسی و مهم عرصه سیاسی بوده است. پیگیری این حق از طرف اقوام ایرانی که با سوء تفاهمات و تنش هایی نیز همراه بوده، مبتنی بر نگرش ها و کنش هایی بوده که آنها را از جنبش های تجزیه طلب کشورهای مستعمره در نیمه دوم قرن بیستم متمایز می کند چرا که به لحاظ تاریخی کشور ایران هیچ گاه مستعمره کشور دیگری نبوده و همه اقوام در دوره های گوناگون تاریخی نقش پررنگی در اداره نظام سیاسی کشور داشته‌اند.

تحقیقات خارجی

- بالتر^۱ (۲۰۱۷) در بررسی ارتباط بین نگرش دینی، سازش یافتگی با محیط دانشگاه و خودپنداشت نشان داد که نگرش دینی با خودپنداشت رابطه مثبت دارد و به همسازی بیشتر دانشجویان منتهی می شود. همچنین دانشجویانی که خود را بیش از همه متدین می دانستند از دیگران سازش یافته تر بوده و عملکرد تحصیلی نسبتاً بهتری داشتند، توانایی های خود را در مسیر فعالیت های بارور به کار می انداختند، زندگی را دوست داشتند و بی آنکه نیاز به تلاش زیادی داشته باشند به حل مسائل خود نائل می شدند.

- شورتز، اورت و ورتینگتون^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ارتباط مثبت بین دین بر مقابله و همسازی» خود به ارتباط مثبت بین دین بر مقابله و همسازی دانشجویان پی بردند.

1. Boulter

2. Shortz, Everett & Worthington

- ساندرز^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «رابطه جنس با نگرش دینی و همسازی اجتماعی» نشان داد که دختران با نمره بالای دینداری در مقابله موقعیت های بحرانی بویژه در موقعیت های پیشرفت، رفتار سازش یافته عملی و پسران رفتار سازش یافته ذهنی نشان می دهند. همچنین یافته ها نشان دادند که دختران نسبت به پسران دیندارتر هستند و نسبت به باورهای دینی خود احساس تعهد بیشتری دارند.

- راک استال و کوگ^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه خود بین ۴۰ گروه کاری شامل ۲۵۹ نفر که هر گروه از افرادی با فرهنگ های مختلف تشکیل شده بودند نشان دادند که چگونه تنوع فرهنگی بر همسازی بین اعضا و گروه ها موثر است. این پژوهشگر ثابت کرده است که هوش فرهنگی در این میان می تواند به عنوان یک متغیر تعدیل کننده باشد به نحوی که تنوع فرهنگی بیشتر اثر منفی بر همسازی بین اعضا می گذارد در حالی که هوش فرهنگی بالاتر می تواند این اثر منفی را کاهش دهد.

مبانی نظری

نظریه های همسازی اجتماعی

دورکیم، نظم اجتماعی به خاطر یک توافق عمومی روی ماهیت ارزش ها و نهادها (حکومت، خانواده، مذهب) بین اعضای یک جامعه وجود دارد، این توافق از خصوصیات مختص جوامع فاقد خط است که مبتنی بر همبستگی مکانیکی است وحدت اجتماعی که از یک توافق ارزش و هنجاری، فشارهای قوی اجتماعی برای سازگاری و وابستگی به سنتها و خانواده ناشی می شود. دورکیم شاهد تحول اجتماعی بود که بوسیله انقلابات دموکراتیک و صنعتی آورده شد و سعی کرد که توصیف کند چگونه در جامعه پیچیده صنعتی نظم اجتماعی تحقق می یابد. او عقیده داشت در جامعه مدرن نظم اجتماعی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی است. وحدت اجتماعی که مبتنی بر مجموعه ای از نقش های بسیار تخصصی است که اعضای یک جامعه را به همدیگر وابسته می کند. برای مثال مردم در جامعه صنعتی برای فراهم کردن کالاها و خدمات به هم وابسته هستند (کرایب، ۱۳۸۶: ۳۸۹).

پارسونز مدعی است که کنش اجتماعی دارای دو جنبه است، یعنی آنچه که فرد در صدد انجام آن است بستگی به دو جنبه دارد: یکی آنچه که فرد خود علاقمند به انجام آنست. دیگری آنچه که دیگران از او توقع دارند. پارسونز معتقد است که افراد برای اینکه به توافق برسند، باید مطابق با انتظارات یکدیگر عمل کنند. در اینصورت نه تنها رضایت فردی مورد نظر بدست می آید بلکه رضایت یکدیگر را نیز فراهم کرده اند (پور نجف، ۱۳۹۰: ۶۴).

از دیدگاه کنش متقابل نمادین بین دو کنش متقابل وحدت و اختلاف ابهام وجود دارد، این ابهام از معنای دوگانه وحدت ناشی می شود. وحدت را با توجه به توافق و سازگاری کنش های متقابل افراد و اختلاف افراد و اختلاف را با توجه به ناهماهنگی ها و جدایی تعریف و تصور می کنیم، البته مجموع ترکیب های گروهی اشخاص، نیروها و شکل ها یعنی یکپارچگی نهایی گروه را وحدت می نامیم. یکپارچگی ای که به معنای دقیق کلمه مناسبات وحدت طلبانه و دوگانه را با هم شامل می شود، اگر به معنای دوگانه اختلاف

1. Saunders

2.. Rochstuhl & Kog

توجه کنیم، این ابهام باز هم بیشتر می‌شود از آنجا که اختلاف خصلت منفی و ویرانگر بین دو فرد را آشکار می‌کند، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که در کل گروه هم همین تاثیر را دارد، اما در واقع اگر امری در روابط دو نفر به تنهایی نقش منفی و ویرانگری داشته باشد در کل روابط این افراد ضرورتاً همین تاثیر را ندارد، زیرا اگر ستیزه را کنش های متقابلی در نظر بگیریم که تحت تاثیر آن نیستند، در این صورت ستیزه معنای بسیار متفاوتی پیدا می‌کند. عناصر منفی و دوگانه علاوه بر نقش ویرانگری که در برخی مناسبات ویژه دارد در این توصیف جامع ممکن است نقش کاملاً مثبتی ایفا کند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۲۰۸).

جنکینز معتقد است آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت معنایی هستند که افراد آنها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری فرایند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز، باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در بین جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و ... مواردی فرهنگی هستند که برای زندگی هر گروهی ایجاد معنا می‌کنند و باعث شباهت درون گروهی و تفاوت از برون گروه می‌شود. براین اساس، یک گروه و یا حتی یک فرد می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون هویت‌های متعددی برای خود بسازد و خود را بدان‌ها متعلق بدانند.

شوارتز بیان می‌کند که تعادل، تاثیر و تاثر زمینه‌های بیولوژیکی و نفوذ اثرات خانوادگی در شناخت علت ناراحتی های کودکان و نوجوانان از جمله ناسازگاری آنان نقش اساسی دارد. به بیان دیگر پاره ای از ویژگی های شخصیتی مانند خلق و خوی فرد متأثر از عوامل ژنتیکی است و شیوه های برخورد و الگوهای خانوادگی یا در جهت این گرایش های کودکان یا در جهت مقابل آن یعنی عدم سازگاری با عوامل ارثی-ژنتیکی به تدریج شخصیت کودک و نوجوانان را شکل می‌دهد. به نظر شوارتز زمانی که والدین منطبق با زمینه های ارثی-ژنتیکی کودک عمل نکنند، کودک در معرض محیط های نامطلوب قرار می‌گیرد که به سهولت می‌تواند به ناراحتی های روانی گوناگون در او منجر شود (نوابی نژاد، ۱۳۹۰: ۵۰).

مک کیساک پیشنهاد می‌کند که این گونه کودکان احتمالاً والدین خود را به عنوان الگو برای همانند سازی قبول ندارند و آنان را طرد می‌کنند و احتمالاً به رفتارهای نمایشی بدون توجه و آگاهی به نتایج اعمالشان اقدام خواهند کرد. طرفداران این نظریه معتقدند که بخشی از تجارب اولیه کودک در خانواده زمینه های آلودگی او را برای رفتار ناسازگارانه فراهم می‌سازد. بدیهی است در صورتی که کودک در معرض نیروهای مشوق ناسازگاری در جامعه مثل اثرات گروه های همسن و سال ضد اجتماعی قرار گیرد، آمادگی بالقوه در او به فعل و به عمل در می‌آید (آقامحمدیان، ۱۳۸۷: ۷۲).

دلارد و میلر معتقدند که انسان سازگار به کسی اطلاق می‌شود که توانائی و قدرت پردازش صحیح اطلاعات را داراست و چون قادر به چنین کاری است، لذا یک نظام ارزشی واقع بینانه و مبتنی بر مشارکت در فعالیت های جمعی را برای خود تنظیم می‌نماید تا تحت تاثیر نوسانات روانی دردناک و اختلاف با دیگران دچار ایست نشود. این روند به او کمک می‌کند تا به احساس بهتری دست یابد. اما پردازش اطلاعات مبتنی بر این فرض است و طی آن برخی عملیات منحصر به فرد و مشخص روی اطلاعات ورودی انجام می‌گیرد.

یک فرد سازگار باید در همه اجزاء و پردازش اطلاعات توان عمل به شیوه سالم را داشته باشد تا از خطاهای شناختی که پایه عدم مشارکت و اساس ناسازگاری است، مبرا بماند (عدالتی، ۱۳۸۶: ۵۲).

نظریه های اعتماد اجتماعی

لومان^۱ میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان، تفاوت اساسی قایل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم ریسک و مخاطره پذیری، ارتباط نزدیک دارد و در دوران اخیر مطرح شده است. لومان از دیدگاهی خاص، به بررسی اعتماد میپردازد که کمتر مورد توجه سایر نظریه پردازان واقع شده؛ به این معنا که او کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی میکند و با نظم در جامعه مقایسه می کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش بینی رفتارها می شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می شود. لومان معتقد است که همکاری و مشارکت در کلیه ی سطوح جامعه از تبعات اعتماد به یکدیگر است و خود، تقویت کننده ی اعتماد به دیگران است (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

آنتونی گیدنز^۲ جامعه شناس مطرح معاصر انگلیسی است. به طور کلی نظریات وی در مورد اعتماد را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

الف) اعتماد و امنیت وجودی: که مربوط به دوران کودکی است و با آنچه اریکسون آن را اعتماد بنیادی می نامد، مطابقت دارد (علی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۲). ب) اعتماد به نظام های انتزاعی و تخصصی: گیدنز نظام های انتزاعی را نظام های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می داند که حوزه های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می دهد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۳۴). ج) اعتماد در روابط شخصی: در دوران پیشامدرن، روابط شخصی تابع ضوابط بیرونی همچون تعهدات خویشاوندی بود، در حالیکه در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به صورت رابطه ناب در می آید، وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد. د) زمینه های اعتماد در دوران پیشامدرن و مدرن: گیدنز اعتماد را از مولفه های اصلی مدرنیته می داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان شناسی مذهبی بر فرهنگ های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام های انتزاعی و نمادها و نظام های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۴).

پیوتر زتومکا^۳ با توجه به جهانی شدن و فرایند پویای وابستگی متقابل جهانی، دو مقوله اعتماد و همکاری را به عنوان یکی از پیش فرض های اساسی در رویارویی با تحولات جهانی ذکر کرده است و نیز با پرداختن بیشتر به مساله اعتماد، مخاطره را نیز به دنبال آن ذکر کرده است. به نظر زتومکا، اعتماد در متن کنش های انسان، که مهم ترین ویژگی آن ها جهت گیری معطوف به آینده است، نمود پیدا می کند. هر چه میزان کنترل ما بر کنش های آینده کمتر باشد، نیاز ما به اعتماد بیشتر می شود. اعتماد کردن یعنی شرط بستن بر آینده نامعین و

1. Luhmann

2. Anthony Giddens

3. Piotr Sztompka

کنش‌های غیرقابل کنترل دیگران که همیشه همراه با مخاطره است. زتومکا سطوح اعتماد را به صورت لایه‌هایی در نظر می‌گیرد که از عینی‌ترین روابط میان اعضای خانواده شروع شده و تا انتزاعی‌ترین روابط مانند اعتماد به نظم اجتماعی، کارایی نظام و ... ادامه دارد (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

جیمز کلنن از منظر کنش عقلانی به موضوع اعتماد، توجه می‌نماید و معتقد است که اعتماد نوعی انتظار است که در بر اساس محاسبه سود و زیان بدست می‌آید که توسط انسان‌های محاسبه‌گر و عقلانی نسبت به فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌ها بر آورده می‌شود. کلنن در بحث بر روی نظام‌های اعتماد، این نظام‌ها یا روابط را متضمن وجود دو یا سه کنشگر می‌داند ولی در سطح کلان، تحلیل پدیده‌ها را مستلزم فرارفتن از تعداد محدود و در نظر گرفتن تعداد زیادی از افراد می‌داند. کلنن در اینجا از دو نوع سیستم بزرگتر یاد می‌کند، نوع اول، اجتماعی است که از روابط به هم پیوسته اعتماد متقابل تشکیل شده و نوع دوم سیستمی است که از روابط اعتماد مشورتی ساخته شده است (کلنن، ۱۳۹۰: ۲۸۷).

پاتنام عقیده دارد که اعتماد مشارکت را تسهیل می‌بخشد و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال مشارکت هم بیشتر خواهد بود و مشارکت نیز متقابلاً ایجاد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است عنصری غیراختیاری و ناآگاهانه نیست. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آنرا انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید، بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت تان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعات شان و توانایی او، حدس می‌زنید که او از پس انجام کار برخوردار آمد. در جوامع کوچک این پیش‌بینی بر اساس چیزی انجام می‌شود که ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می‌نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر اعتمادی غیر شخصی یا شکل نامستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

راجرز عنصری همچون بی اعتمادی متقابل در روابط شخصی را در کنار عناصری چند به عنوان ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی مانع مشارکت می‌داند. به نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حيله‌گری در روابط با یکدیگر است. همچنین تصور خیر محدود سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می‌شود. چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد؛ به سخن دیگر منابع محدود و خواسته‌ها نامحدود است و با توجه به قدرت و توانایی افراد میزان آنها را به سادگی نمی‌توان افزایش داد، بنابراین دستیابی عده‌ای به این منابع سبب محرومیت دیگران از آنها می‌شود، و همین مسئله سبب بدگمانی افراد نسبت به یکدیگر خواهد شد (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۰). نظریه‌ی خیر محدود فاستر نیز در همین راستا است. فاستر معتقد است که مبنی وجود فضایی آکنده از خصومت و بی‌اعتمادی است که موجب می‌شود افراد هرگز نتوانند به روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۸).

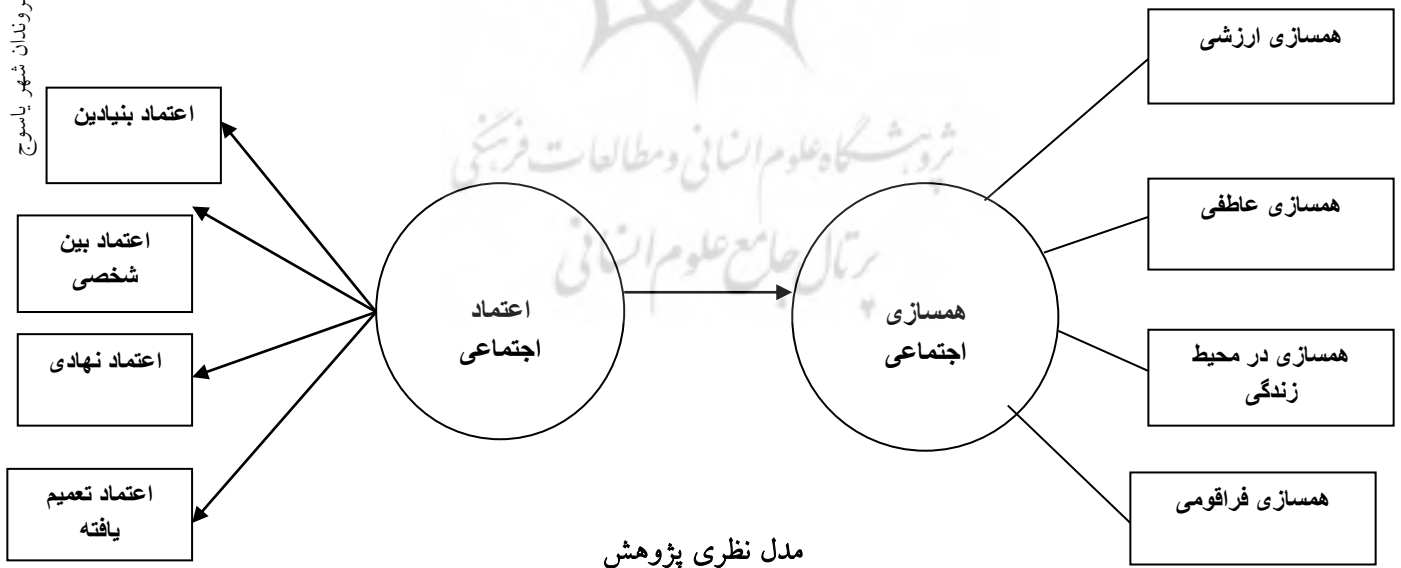
کلاوس اوفه معتقد است که اعتماد شرط اساسی نظم اجتماعی در کنار ساز و کارهای مالی، اقتدار سیاسی و دانش است به اعتقاد او پول، اقتدار سیاسی و دانش نمی‌تواند به تنهایی هماهنگی اجتماعی را ایجاد کنند. این ناشی از این موضوع است که هماهنگی موفقیت‌آمیز به همکاری بستگی دارد. همکاری نیز به ادراکات، تمایلات و انتظاراتی وابسته است که افراد را به همکاری ترغیب می‌کند (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۳۷-۲۰۵).

اوفه اعتماد اجتماعی را از طرق گوناگون و جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی می‌داند شامل:

- اعتماد شهروندان به همشهری خود یا مقوله دنیای دیگران
- اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان دیگر بخش‌ها (پلیس، قضات، پزشکان، ارتش)
- اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌ها از قبیل بخش‌های تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی و..
- اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه که در آن نخبگان، درباره گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف جامعه به باورهای دست می‌یابند (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

از دید اوفه نهادها و کیفیت نهادی می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با هم تماس نداشته‌اند به نظر او معنای درونی نهادها و قدرت اقناع مشهود و اخلاقی آنها است که آنها نوعی را تشویق می‌کند همچون من به هنجارها و ارزش‌هایی که این نهادها نماینده آن هستند پایبند باشند و بدین ترتیب این شهروندان را به هم میهن‌نان سزاوار اعتماد و واقعاً معتمد تبدیل می‌کند (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

از نظر اینگلهارت وضعیت‌های متضمن اعتماد، طبق‌های فرعی از وضعیت‌هایی را در بر می‌گیرند که متضمن ریسک است. در این وضعیت‌ها، ریسکی که فرد می‌پذیرد، به عملکرد کنشگر دیگری بستگی دارد. در رابطه دارای اعتماد، دو مؤلفه موجود است: اعتماد کننده و امین (فرد مورد اعتماد) که هر دو هدفمند بوده و هدف آنها تأمین منافعشان است، صرف نظر از اینکه این منافع چه باشد. باید فرض کرد هر فرد کنشگری هدفمند است و باید کوشش کرد کنش‌های هر کنشگر را به صورت کنش‌های معقول تحت تأثیر هدف‌هایی تبیین کرد که کنشگر در چنین وضعیتی ممکن است داشته باشد. تصمیم اعتماد کننده بالقوه، تقریباً همیشه مسأله برانگیز است، تصمیم برای این که آیا به امین باید اعتماد کرد یا نه؟ (کلمن، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۴۹).



فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین اعتماد بنیادین و همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

- بین اعتماد بین شخصی و همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

- بین اعتماد نهادی و همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

- بین اعتماد تعمیم یافته و همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

۶- روش شناسی تحقیق

این تحقیق با توجه به شکل داده های مورد تحلیل قرار گرفته، تحقیق کمی بوده و از جهت شیوه مواجهه با مسأله تحقیق و ورود به آن تحقیق میدانی محسوب می گردد و روش استفاده شده در این تحقیق پیمایش است. در این تحقیق به منظور گردآوری داده های لازم از ابزار پرسشنامه بهره برده شده است. قبل از شروع پژوهش، پرسشنامه اولیه مورد آزمون واقع شده و با بهره گیری از نتایج اخذ شده، نقص های فعلی رفع و پرسشنامه نهایی تدوین شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج می باشد که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۱۱۰ هزار نفر می باشد. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه ی «نمونه گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فرمول کوکران تعدادی از افراد (۳۷۶ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است. همچنین شیوه نمونه گیری خوشه ای و تصادفی ساده در دو مرحله می باشد. بدین صورت که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای تعدادی از محله های شهر یاسوج انتخاب و از هر محله به شیوه تصادفی نمونه نهایی استخراج شد. پس از جمع آوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با بهره گیری از نرم افزار **SPSS** و **PLS Smart** انجام و در این راستا برای بررسی فرضیه ها، آزمون های آماری متناسب مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا به منظور اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مجرب و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ به منظور اندازه گیری پایایی پرسشنامه اقدام گردیده، که بر پایه ضریب آلفا میزان پایایی کلیه متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۷ است.

۱- ۶- تعریف متغیرهای پژوهش

- اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی: اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان های اجتماع با همدیگر تبلور می یابد. آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفته ها تعریف می کند (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۳). از نظر پاتنام، اعتماد سبب ایجاد انجمن های داوطلبانه و دو طرفه و اینها نیز به نوبه خود باعث تقویت و ایجاد اعتماد می شوند (پاتنام، ۱۳۸۰؛ به نقل از یوسف وند و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۵).

تعریف عملیاتی: اعتماد اجتماعی در این پژوهش با شاخص های اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته مورد بررسی قرار گرفته شده است.

- همسازی اجتماعی

تعریف مفهومی: همسازی اجتماعی جریانی است که بوسیله آن روابط میان افراد، گروه ها و عناصر فرهنگی در وضع رضایت بخش برقرار باشد؛ به عبارت دیگر، روابط میان افراد و گروه ها به گونه ای برقرار شده باشد که رضایت متقابل آنها را فراهم سازد (به پژوه، ۱۳۸۹: ۱۴).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش همسازی اجتماعی با شاخص های همسازی ارزشی، همسازی عاطفی، همسازی در محیط زندگی و همسازی فراقومی مورد سنجش قرار گرفته شده است.

یافته ها

یافته های توصیفی

- اعتماد اجتماعی

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی بر اساس اعتماد اجتماعی

وضعیت مولفه						شاخص های توصیفی		متغیرهای پژوهش
جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	انحراف معیار	میانگین	
۳۷۶	۳۰	۷۴	۱۴۴	۷۵	۵۳	۰/۹۴	۲/۸۷	اعتماد بنیادین
۳۷۶	۸۲	۹۰	۱۵۵	۲۰	۲۹	۰/۹۷	۳/۴۶	اعتماد بین شخصی
۳۷۶	۳۰	۸۰	۱۳۵	۶۵	۶۶	۰/۹۰	۲/۸۴	اعتماد نهادی
۳۷۶	۳۵	۷۵	۱۴۶	۷۰	۵۰	۰/۸۹	۳/۰۶	اعتماد تعمیم یافته
۳۷۶							۳/۰۵	میانگین کل اعتماد اجتماعی

یافته های جدول بالا نشان می دهد که در بین شاخص های اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی دارای بیشترین میانگین (۳/۴۶) و اعتماد نهادی دارای کمترین میانگین (۲/۸۴) می باشد. همچنین اعتماد تعمیم یافته (۳/۰۶) و اعتماد بنیادین (۲/۸۷) و میانگین کلی اعتماد اجتماعی (۳/۰۵) یعنی به میزان متوسط می باشد.

- همسازی اجتماعی

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی بر اساس همسازی اجتماعی

وضعیت مولفه					شاخص های توصیفی		متغیرهای پژوهش	
جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	انحراف معیار		میانگین
۳۷۶	۶۵	۸۶	۱۲۵	۵۵	۴۵	۱/۲۵	۳/۱۸	همسازی ارزشی
۳۷۶	۸۲	۸۶	۱۳۸	۵۰	۲۰	۰/۹۳	۳/۴۲	همسازی عاطفی
۳۷۶	۹۷	۱۰۵	۱۱۵	۳۹	۲۰	۰/۸۸	۳/۵۹	همسازی در محیط زندگی
۳۷۶	۹۸	۹۹	۱۰۷	۴۱	۳۱	۱/۰۲	۳/۵۱	همسازی فراقومی
۳۷۶						۰/۹۹	۳/۴۲	میزان کل همسازی اجتماعی

یافته‌های جدول و نمودار بالا نشان می‌دهد که در بین شاخص های همسازی اجتماعی، همسازی در محیط زندگی دارای بیشترین میانگین (۳/۵۹) و همسازی ارزشی دارای کمترین میانگین (۳/۱۸) می باشد. همچنین میانگین همسازی عاطفی (۳/۴۲) و همسازی فراقومی (۳/۵۱) می باشد. وضعیت کلی همسازی اجتماعی نشان می‌دهد که در همه مولفه‌ها، پاسخگویان اذعان داشته‌اند که گرایش به هویت ملی در حد بالاتر از متوسط (۳/۴۲) می باشد.

یافته های استنباطی

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده ها

به منظور بهره گیری از آزمون‌های پارامتریک، شرایطی مهیا می باشد که یکی از آنها عبارت است از: شرط توزیع نرمال داده ها.

جدول ۳. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

همسازی اجتماعی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد بین شخصی	اعتماد نهادی	اعتماد بنیادین	خرده مقیاس‌ها
۳۷۶	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۶	تعداد
۲/۷۴	۲/۲۹	۲/۳۹	۲/۰۳	۲/۵۲	مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف
۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۲۸	۰/۱۲	سطح معناداری (دو دامنه)

بر اساس نتایج میزان معناداری کلیه متغیرهای فوق بالاتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین نمایانگر توزیع نرمال داده ها است. لذا با توجه به این وضعیت امکان استفاده از آزمون های پارامتریک وجود دارد.

آزمون فرضیه ها

- بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادین، اعتماد غیررسمی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته) با همسازی اجتماعی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادین، اعتماد غیررسمی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته) با همسازی اجتماعی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته ها به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۴. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق			
همسازی اجتماعی		شاخص ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۳۶	اعتماد بنیادین	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۱	اعتماد غیررسمی	
۰/۰۰۰	۰/۳۹	اعتماد نهادی	
۰/۰۰۱	۰/۴۴	اعتماد تعمیم یافته	
۰/۰۰۰	۰/۴۰	میزان کل اعتماد اجتماعی	

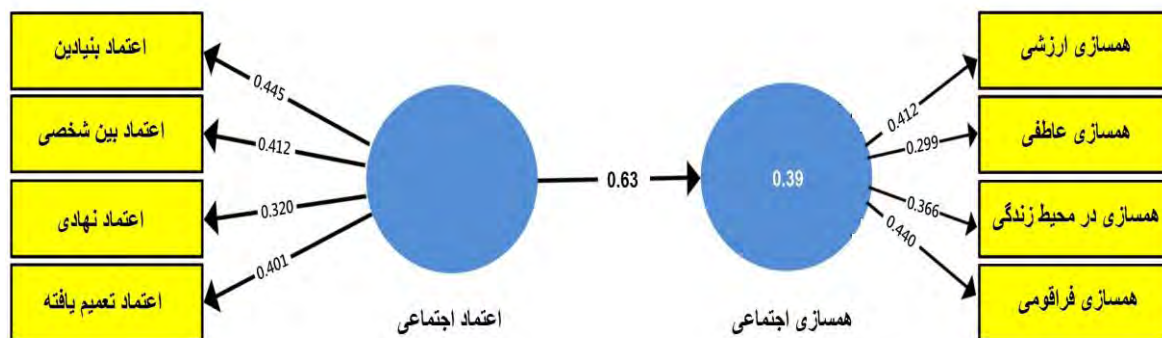
یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی اعتماد اجتماعی و همچنین میزان کل آن با همسازی اجتماعی از دیدگاه شهروندان رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین اعتماد تعمیم یافته و همسازی اجتماعی ($P=0/44$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین اعتماد بنیادین و همسازی اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/36$) می باشند.

همچنین رابطه بین اعتماد غیررسمی ($P=0/41$) و اعتماد نهادی ($P=0/39$) با همسازی اجتماعی از دیدگاه شهروندان دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان اعتماد اجتماعی ($P=0/40$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان همسازی اجتماعی شهروندان بیشتر می شود و تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

برآوردهای مربوط به شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر همسازی اجتماعی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر اعتماد اجتماعی بر همسازی اجتماعی



جدول ۵. برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۱	۰/۰۸۲	۰/۹۰

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برازش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۶. برآورد اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر همسازي اجتماعی

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	<---	همسازي اجتماعی	۰/۳۹	۰/۶۳	1/2	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع (۰/۶۳) از واریانس متغیر همسازي اجتماعی را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۹) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر همسازي اجتماعی در بین شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر همسازي اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر اعتماد اجتماعی بر همسازي اجتماعی تأثیر دارد، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می توان گفت اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر متغیر همسازي اجتماعی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان اعتماد اجتماعی می تواند در حد متوسط منجر به تقویت همسازي اجتماعی گردد.

نتیجه گیری

همانطور که ذکر شد همسازي اجتماعی یکی از موضوعات اساسی است که از دیرباز مورد توجه مطالعات جامعه شناختی بوده است. همسازي اجتماعی با مؤلفه هایی همچون همسازي ارزشی، همسازي عاطفی، همسازي در محیط زندگی و همسازي فراقومی گرچه موضوعی دیرینه است لکن با توجه به اهمیت

استراتژیک آن، نه تنها اهمیت موضوعی خود را از دست نداده، بلکه با توجه به تحولات جهان معاصر بار دیگر لزوم توجه به آن بیشتر احساس می‌شود.

از جمله عوامل مرتبط با همسازی اجتماعی، اعتماد اجتماعی می‌باشد. در همین راستا، با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی در این پژوهش به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی چون اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با همسازی اجتماعی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی اعتماد اجتماعی و همچنین میزان کل آن با همسازی اجتماعی از دیدگاه شهروندان رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین اعتماد تعمیم یافته و همسازی اجتماعی ($P=0/44$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین اعتماد بنیادین و همسازی اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/36$) می‌باشند. همچنین رابطه بین اعتماد غیررسمی ($0/41$) و اعتماد نهادی ($P=0/39$) با همسازی اجتماعی از دیدگاه شهروندان دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان اعتماد اجتماعی ($P=0/40$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان همسازی اجتماعی شهروندان بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع ($0/63$) از واریانس متغیر همسازی اجتماعی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط ($0/39$) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر همسازی اجتماعی را دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین بعد تجربی اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی با یافته‌های پژوهش‌های غنی ظاهر و میرعبدی (۱۳۹۷) و شکوری آذر و دیگران (۱۳۹۵) همخوانی وجود دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در پژوهش خود به ارتباط بین اعتماد اجتماعی و همسازی اجتماعی پی بردند. بنابراین مشاهده می‌شود که اعتماد اجتماعی یکی از منابع و پیش شرط‌های اصلی همسازی اجتماعی و همکاری است و با افزایش اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف میزان همسازی اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. اعتماد تمایل مردم را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب که اعتماد مانند شیرازه‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند.

منابع

فارسی

- آقا محمدیان، محمد، (۱۳۸۷). بررسی اثر بخشی تاثیر درمان گروهی و روان تحلیلی فردی بر سازگاری دانش آموزان دوره متوسطه، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- ازکیا، مصطفی و حسنی راد، کریم. (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، بهار.

- اوفه، کلاوس. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی. چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟ ترجمه کیان تاجبخش، تهران: انتشارات شیرازه.
- به پژوه، احمد و دیگران. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دیرآموز. نوآوری های آموزشی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت های مدنی در ایتالیای مدرن). ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام.
- پارسامهر، مهربان و الهه حدت. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان. دوره ۱۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴۲، زمستان.
- پورنجف، عبدالحسین. (۱۳۹۶). مدیریت آموزشی. تهران: نشر صداقت.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران). جامعه شناسی مطالعات جوانان. دوره ۱، شماره ۱. تابستان.
- خاکباز، افشین، حسن پویا. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، مردم سالاری و توسعه. تهران: نشر شیرازه.
- شکوری آذر، مهناز و ملکی آوارسین، صادق. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و اعتماد سازمانی با سازگاری شغلی در بین کارکنان دانشگاه های پیام نور استان آذربایجان شرقی. تهران: چهارمین همایش علمی پژوهشی یافته های نوین علوم مدیریت، کارآفرینی و آموزش ایران.
- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان. رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- عدالتی، طاهره. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی جوانان استان لرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده روان شناسی.
- علی پور، پروین و همکاران، (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، تابستان، دوره دهم، شماره ۲، ص ۱۱۶.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت. تهران: نزدیک.
- غنی ظاهر، مریم و رضا میرعبدی، (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر در همسازی اجتماعی دانشجویان، یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- کاظمی، علی اصغر؛ مجید خورشیدی و حسین حیدری، (۱۳۹۰). همسازی هویت ملی و قومی در ایران و رویکرد اقوام ایرانی به وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت، فصلنامه علوم اجتماعی ۱۸ (۵۵).
- کرایب، یان. (۱۳۸۶). نظریه ی اجتماعی کلاسیک، ترجمه: شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.
- کلمن، جیمز. (۱۳۹۰). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس و برنارد روز نبرگ. (۱۳۸۷). نظریه های بنیادی جامعه شناختی. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳). تجدد و تخصص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- محبی، فرزانه و حسن امیری، (۱۳۹۷). مقایسه خودکارآمدی، بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی در بین زنان آسیب دیده و عادی، یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: شرکت همایشگران مهر اشراق.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۴). موانع مشارکت اجتماعی در تهران با تأکید بر خرده فرهنگ دهقانی راجرز. رفاه اجتماعی، شماره ۱۹.
- نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۹۰). رفتارهای بهنجار و نا بهنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری و درمان ناهنجاریها، تهران: انتشارات ابتکار هنر.
- وثوقی، منصور و حیدری، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه های شهر ایلام و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۳، پاییز.
- یوسفوند، حسن رضا و درستی، امیرعلی و حمیدیان، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد و سرمایه اجتماعی در دو شهر شهرضا و اصفهان، مجموعه مقالات همایش منطقه ای سرمایه اجتماعی، چالش ها و راه کارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

انگلیسی

- Boulter, L. (2017). Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment. *College Student journal*, (36), 2. 234 – 246.
- Rochstuhl T, Kog, Y. N. (2007). A multilevel model of cultural diversity, cultural intelligence and trust in teams, Philadelphia: Academy of Management.
- Shortz, J. L., Everett, L., & Worthington, J. R. (2014). Young adults recall of religiosity, attribution and coping in parental divorce. *Journal for the Scientific*. 33. 172-179.
- Saunders, G.P. (2009). The Relationship of spirituality to adolescents' responses to loss. Thesis, Wisconsin School of Professional Psychology, Milwaukee.

Investigating the Relationship between Religion and Social Cohesion among Yasuj Citizens

Abstract

Social cohesion has given rise to poverty, poverty, poverty, and poverty. The present study, which aims to link the relationship between social trust and social harmony among the citizens of Yasouj, is an applied study in terms of the type of purpose, a broad study in terms of breadth, a small scope in terms of scope and a cross-sectional study in terms of time. Research Method In this research, the survey method and data collection tool is a researcher-made questionnaire. The statistical population of the present study is all people aged 18 and over in Yasuj, whose number is about 110,000 according to the latest statistics, and 376 of them have been selected as a sample size based on the Cochran's formula.

The results indicate that there is a positive, direct and significant relationship between social trust and its dimensions, ie basic trust, interpersonal trust,

institutional trust and generalized trust with the degree of social adaptation of young people. Therefore, all research hypotheses are confirmed. The results of the structural equation model (Smart PLS) also showed that the total effect of the independent variable of social trust on social cohesion of citizens is 0.63.

Keywords: harmonization, social trust, fundamental trust, interpersonal trust, institutional trust, generalized trust.

